

" نَفْسِي كِه لِحَبِّ اللّٰه اَز نَفْسِي بَر آيِد دَر عَالَم اِثْر عَظِيم دَارِد تَا چِه رَسِد بِه بَلَايَا وَ رِزَايَايِي كِه دَر سَبِيل اللّٰه بَر نَفْسِي وَارِد شُود "

( ص ۴۸ ج ۸ مائده آسمانی ط ۱۲۱ بدیع )

عنوان: بسبب این بلایای وارده امرالله صیتش مرتفع ترشود و صولتش عظیم تر ... "

#### قسمت روحانی

۱- مناجات شروع

۲- مجموعه نصوص حضرت بهاءالله

۳- لوح مبارک حضرت بهاءالله

۴- منتخبات نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء

۵- ۹ بارذکر یا الله المستغاث

#### قسمت اداری

۶- قسمتهائی از توابع حضرت ولی محبوب امرالله:

۷- حکایت

۸- جلوه هایی از نتایج استقامت احبای ایران (حمایت هموطنان شریف)

۸-۱) ما شرمگینیم

۸-۲) نمایش فیلم تابوی ایرنی در کنفرانس شیکاگو

۸-۳) فیلم باغبان

۸-۴) حمایت بیش از هزار نفر از فعالین و شهروندان غیر بهائی از بازگشت بهائیان به دانشگاههای کشور

۱۲- شور و مشورت (تجارب شخصی شما از حمایت هموطنان شریف درموقع بروزابتلائات ومشكلات

چيست؟)

۱۳- برنامه نونهالان و نوجوانان

#### قسمت اجتماعی

۱۴- الفت و پذیرائی

۱۵- دعای دسته جمعی "لک الحمد یا مقصود العالم... " ۵ بار

## ۱- مناجات شروع

هو الابهي

(اقرأ هذا الدعاء في كل صباح و مساء )

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي بِهِ اشْرَقَتْ شَمْسُ أَمْرِكَ عَنْ أَفْقٍ وَحَيْكَ بِأَنْ لَا تَجْعَلَنَا مَحْرُومًا مِنْ نَفْحَاتِ الْآتِي تَمَرٍّ عَنْ شَطْرِ عِنَايَتِكَ ثُمَّ اجْعَلْنَا يَا إِلَهِي خَالصًا لَوْجْهِكَ وَ مَنْقَطَعًا عَمَّا سِوَاكَ ثُمَّ احْشُرْنَا فِي زَمْرَةِ عِبَادِكَ الَّذِينَ مَا مَنَعْتَهُمْ إِشَارَاتِ الْبَشَرِيَّةِ عَنِ التَّوَجُّهِ إِلَى الْمَنْظَرِ الْأَحَدِيَّةِ \* أَي رَبِّ فَادْخُلْنَا فِي ظِلِّ رَحْمَتِكَ الْكَبِيرِ ثُمَّ احْفَظْنَا مِنْ عِبَادِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِاسْمِكَ الْأَبْهِيِّ وَأَشْرَبْنَا زَلَالَ خَمْرِ عِنَايَتِكَ وَ رَحِيقِ فَضْلِكَ وَ الطَّافِكِ \* وَ أَنْتَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ عَلَى مَا تَشَاءُ وَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ \* أَي رَبِّ فَاسْتَقِمْنَا عَلَى حَبِّكَ بَيْنَ خَلْقِكَ \* لِأَنَّ هَذَا أَعْظَمُ عَطِيَّتِكَ لِبَرِيَّتِكَ وَ أَنْتَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ \*

ادعیه محبوب ص ۱۹۸

## ۲- مجموعه نصوص حضرت بهاء الله

حضرت بهاء الله می فرمایند:

"در این کور ملاحظه شد که این همج رعاع گمان نموده اند که بقتل و غارت و نفی احبای الهی از بلاد توانند سراج قدرت ربانی را بیفوسند و شمس صمدانی را از نور باز دارند غافل از اینکه جمیع این بلاها بمنزله دهن است برای اشتعال این مصباح \* کذلک يُبَدِّلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ"

مجموعه الواح چاپ مصر ص ۳۷۰

و نیز می فرمایند:

"عنقریب نفوس مُعرضه که به اهل بهاء ظلم نموده اند در کمال ندامت مشاهده شوند ان الرَّحْمَنُ مَعَكُمْ وَالْخَسْرَانُ لَهُمْ وَ عَلَيْهِمْ أَنْتُمْ إِسْرَاءُ اللَّهِ فِي الدِّيَارِ، این شأن، کبیر است حقیر مشمارید عنقریب ذکر شما و جمیع دوستان حق در جمیع بقاع ارض منتشر شود."

امرو خلق ج ۴ ص ۴۷۷

### ۳- لوح مبارک حضرت بهاءالله

#### اوست گوینده پاینده

چشم عدل گریان و انصاف نالان... ذئاب جزائر جهل و نادانی، اغنام الهی را دریدند... خونهای این نفوس سبب شد که حال اهل ایران بعضی اذکار را می شنوند و ساکنند بلکه می پذیرند اهل ایران با نفسی از نفوس خارجه مشی نمی نمودند چه که نعوذ بالله کل را نجس می دانستند ابدأ تکلم را جائز نمی شمردند، حال از عنایت این ظهور اعظم ابواب معارف باز شده، آن توحشهای زائد از اعتدال و اعراض و اعتراضها از میان برخاست و کل را به حضور و لقا بشارت فرمود و فائز نمود، دماء عشاق در آفاق معجزه ها نمود و اسباب بُعد را به سیاط بیان دفع کرد و قرب را بر مقامش مقرر و مأوی معین فرمود. حال اکثری با جمیع احزاب عالم معاشر و محب فی الحقیقه محبتی نسبت به کل ظاهر شده که ظهورش نزد عباد از محالات شمرده می شد... حال کل بصر شده اند تا ببینند و سمع شده اند ا بشنوند انکار را جنود اقرار از میان برداشت. در نفوذ قلم اعلی و اقتدار کلمه علیا تفکر نمائید چگونه تقلیب فرمود و نزدیک نمود.

لثالی حکمت ج ۲ ص ۳۰۹-۳۰۸

### ۴- منتخبات نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"میدانیم که در چه زحمتی و چه مشقت ولی چون در سبیل حضرت رحمانیت است عین مسرتست خوش باش جمال ابهی نظر عنایتش شامل است و موهبتش کامل دوستانش را معین و مجیر است و یارانش را مهربان و دستگیر دریای بلا را بجهت نفس نفیس خویش پر موج نمود و محض عنایت قطره‌ای از آن بحر را از برای ما مقدر فرمود وللأرض من كأس الکرام نصیب تا چنین نباشد جهان بهشت برین نگردد عنقریب غمام کثیف از افق عالم متلاشی شود و صبح منیر بشعاع ساطع بدرخشد و نفحات الله منتشر و کلمه الله مشتهر گردد"

منتخبات مکاتیب ج ۳ ص ۱۳۱

و نیز می فرمایند:

"از حوادث واقعه در آن صفحات محزون نگردید، مغموم مشوید مطمئن به فضل و عنایت رب احدیه باشید که حافظ حقیقی است و جمیع امور در ید قدرت او اسیر حوادثی که در ایران واقع می شود یا در تمام جهان آشکار می گردد، منتهی به نشر نفحات است و اعلاء کلمه الله زیرا عالم اکوان خادم امر حضرت رحمن است در وقایع سابقه و حوادث ماضیه ملاحظه نمائید و دقت کنید که منتهی به چه شد و چه تأثیری کرد."

پیام آسمانی ج ۱ ص ۷

۶-قسمتهائی از توابع حضرت ولی محبوب امرالله:

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

این امر عظیم در شرق و غرب عالم منتشر نشد مگر بسبب بلایای فی سبیل الله و شدت ظلم و جور اعدا و هجوم اهل بغی و فحشاء . حال نیز چنین خواهد بود که بسبب این بلایای وارده امرالله صیتش مرتفع ترشود و صولتش عظیم تر ... " .

( ص ۲۰ ج ۳ سالهای ۴۸ - ۱۹۲۲ توقیعات مبارکه )

و نیز می فرمایند:

"اگر یاران باوفا چنانچه لایق و شایسته عبودیت آستان بهاست منقطعا عن الجهات قیام نمایندواستقامت کنند این انقطاع و قیام و استقامت چنان نفوذی درهویت عالم امکان نمایدوتأثیر در آفاق و انفس نماید ه خود حیران گردند"

توقیعات مبارکه ۱۹۵۷-۱۹۵۲ ص ۱۰۹

و در بیانی دیگر می فرمایند:

" میقات رفع تضییقات و آزادی امرالله و استقلال شریعه الله مجهول و علمش عندالله ولی ثبات و استقامت یاران تأثیری عظیم و نفوذی شدید در وقایع حالیه و کیفیت ظهور وعود الهیه و اعلان شریعت سماویه دارد."

امروخلق ج ۴ ص ۴۸۲

## ۷-حکایت

سید حسن تقی زاده از ملاقات با حضرت عبدالبهاء درپاریس اینطور حکایت می نماید:

"از او پرسیدم از قرار معلوم شما طالب آزادی در ایران هستیدو از این جهت آیا سزاوار نیست که اتباع شما به دستور شما در مواقع لازمه به آزادی طلبان سیاسی ایرانی همراهی و مساعدت کنند؟مثلا در انتخابات و غیره؟جواب داد که اصولا ما آزادی را دوست داریم برای اینکه نعمتی از نعم الهی است و نزد خدا مطلوب است.ولی نه برای اینکه آزادی به پیشرفت و انتشار امر ما کمک می کندبلکه بالعکس امر ما در محیط غیر آزادبهتر پیشرفت می نماید."

یادداشتهای تاریخی

## ۸-۱) ما شرمگینیم

نامه سرگشاده گروهی از دانشگاهیان، نویسندگان، هنرمندان، روزنامه نگاران و فعالان ایرانی در سراسر جهان، به جامعه بهایی: ما شرمگینیم! یک و نیم قرن سرکوب و سکوت کافیت!

به نام نیکی و زیبایی، به نام انسان و به نام آزادی به عنوان انسان ایرانی، از آنچه طی یک و نیم قرن گذشته در ایران، در حق شما بهاییان روا شده است، ما شرمگینیم، ما بر این باوریم که هر ایرانی باید بتواند "بی هیچگونه تمایزی، بویژه از حیث نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، دین، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر،" و همچنین منشاء قومی یا "اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر از تمام حقوق و همه آزادی های ذکر شده" در منشور جهانی حقوق بشر بهره مند شود، اما بهاییان ایران از اولین روزهای ظهور آیین بهائیت، تا به امروز به خاطر باورهای دینی خود از بسیاری از حقوق انسانی محروم بوده اند.

بنا به شواهد و مستندات تاریخی، از ابتدای شکل گیری آئین بابی و سپس بهائی در ایران، هزاران تن، تنها به دلیل این باورهای دینی خود، به تیغ تعصب و خرافه به قتل رسیده اند. تنها در نخستین دهه میلاد این آیین، نزدیک به بیست هزار تن از وابستگان آن در شهرهای مختلف ایران به قتل رسیدند.

**ما شرمگینیم** از اینکه در آن دوران صدایی در مخالفت با این کشتار بربرمنشانه ثبت نشده است و **ما شرمگینیم** از اینکه تا به امروز نیز صداها در محکومیت این جنایت هولناک جسته و گریخته و نارسا بوده است.

**ما شرمگینیم** از اینکه علاوه بر سرکوب شدید نخستین دهه های حضور بهاییان، در صد سال گذشته نیز، این گروه از هموطنان ما مورد حمله های ادواری قرار گرفته، منازل و محل کار آنها به آتش کشیده و تخریب شده و به جان و مال و ناموس آنها تجاوز شده اما جامعه روشنفکری ایران در مقابل این فاجعه خاموش مانده است. **ما شرمگینیم** از اینکه طی سی سال گذشته قتل بهاییان، تنها به جرم باورهای دینی شان شکل قانونی به خود گرفته و بیش از دویست بهایی به قتل رسیده اند و **ما شرمگینیم** از اینکه گروهی از روشنفکران فشار علیه بهاییان را تئوریزه کرده اند.

**ما شرمگینیم** از سکوت خود در مقابل اینکه بسیاری از سالمندان بهایی پس از ده ها سال خدمت به ایران، از دریافت حقوق بازنشستگی محروم هستند.

**ما شرمگینیم** از خاموشی خود در مقابل اینکه هزاران جوان بهایی، به دلیل باورهای دینی خود و صداقت در بیان این اعتقادات، از امکان تحصیل در دانشگاه ها و مدارس آموزش عالی ایران محروم هستند.

**ما شرمگینیم** از سکوت خود در مقابل اینکه کودکان بهایی به دلیل باورهای دینی والدین خود، در مدارس و معابر مورد تحقیر قرار می گیرند.

**ما شرمگینیم** از خاموشی خود در مقابل این واقعیت دردناک که در میهن ما فشار و تحقیر علیه بهاییان به طور سیستماتیک اعمال می شود، تعدادی فقط به خاطر این باور دینی در زندان به سر می برند و خانه ها و محل کار

آنها مورد حمله و تخریب قرار می گیرد و گاه حتی آرامگاه های مردگان این گروه از هموطنان ما از تعرض به دور نمی ماند.

ما شرمگینیم از سکوت خود در برابر سیاهه طولانی، اندوه بار و دهشتناک حق کشی های نهادینه شده در قوانین کشور ما علیه بهاییان، و بی عدالتی ها و فشارهای دستگاه های رسمی و غیررسمی در مورد این گروه از هموطنان

ما شرمگینیم به دلیل اعمال جنایت ها و بی عدالتی ها و ما شرمگینیم به دلیل سکوت خود در برابر این اعمال.

ما امضا کنندگان این نوشته، از شما بهاییان، بویژه از قربانیان جنایت ها علیه بهاییان ایران، پوزش می خواهیم. ما بیش از این در برابر بی عدالتی در مورد شما سکوت نمی کنیم.

ما در راه رسیدن به حقوق انسانی تصریح شده در منشور جهانی حقوق بشر در کنار شما می ایستیم. باشد تا عشق و آگاهی را جایگزین نفرت و جهل کنیم.

پانزده بهمن ۱۳۸۷ - سوم فوریه ۲۰۰۹

۸-۲) نمایش فیلم تابوی ایرنی در کنفرانس شیکاگو و سخنان فیلمساز آن  
با حضورم در سالنی که سه هزار نفر در آن همزمان فیلم مرا می دیدند، آنچنان بغض راه گلویم و اشک راه نگاهم  
را بست که از پس یک سپاس ساده از آن همه شور و شوق و اشکی که نثار دست آورد من و یاران صمیمی ام  
در ساختن این فیلم شد، به درستی بر نیامدم... فضای سنگین پس از نمایش فیلم تابوی ایرانی که سه هزار نفر  
همزمان تماشاگرش بودند، چیزی که من در بزرگترین جشنواره های جهان هم مشابهنش را به یاد ندارم. اجازه  
نداد شعری که اخیراً از درون زندان در ایران به دستم رسیده و شاعری بهائی آن را برایم سروده است برای  
مشتاقانش بخوانم. مجری جوان و شیرین سخنی که گفتگوی پس از نمایش را رهبری می کرد اما با گرمائی  
دلنشین شعر این زندانی عزیز را که به صلاحش نمی دانم نام شریفش را ببرم برای جمعی که سراپا گوش بود  
خواند. و من در اینجا تنها به رونویس چند فراز کوتاه از این هدیه گرانبهاء قناعت می کنم  
به من نگوئید که خوابم و داستان جادوئی رؤیائی شیرین  
آرزوهای دیرپای فروخته ام را به تصویر کشیده است... به من بگوئید که بیدارم...  
و بالاخره کسی غربت تلخ مرا در خانه ام باور کرده است  
که از این پس کودکی از شرم نجس بودن راه مدرسه را گم نخواهد کرد  
و بعد از این مردگان امان نامه خواهند گرفت.  
من برای رسیدن به دشت سبز با هم بودن  
چه کوره راههای حسرتی که نپیموده ام  
و گوش جانم در آرزوی خطاب "هموطن" پشت چه درهای سکوتی که نماند  
هموطنان، به من بگوئید "هموطن" به من بگوئید که دیگر بیگانه ام نمی دانید  
بگوئید که اهل این دیارم  
و با شما از یک تبارم

بوسان- فیلم باغبان اولین فیلمی است که در چند دهه گذشته، احتمالاً از زمان انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷/۱۹۷۹ تا به حال، توسط یک فیلم ساز ایرانی در اسرائیل ساخته شده است و پیامی که درباره دین و صلح جهانی مطرح می کند... در این فیلم که در طبیعت رنگین و خیره کننده مرکز جهانی بهایی در حیفا فیلم برداری شده است، فیلمسازان؛ در قالب معرفی جذاب و بی پیرایه ای از دیانت بهایی؛ نقش دین در زندگی و جنگ را در فضایی دوستانه به بحث می گذارند. معنویت عمیقی که فیلم به شیوه بسیار هوشمندانه به آن می پردازد هر تماشاگر روشن فکری را تحت تاثیر قرار خواهد داد و لازم است که از طریق مجاری های فرهنگی از جشنواره ها پا فراتر بگذارد.

این فیلمسازان ایرانی با دوربین های کوچک دی وی DV و تجهیزات صوتی خود در باغهای بهایی ظاهر می شوند. از سایر دست اندرکاران فیلم نشانی به چشم نمی خورد. در این باغ رویایی با پیاده روهایی به سپیدی گچ، گل های شمعدانی قرمز و سرو های سبز مخملین، حالت آرام ذن گونه ای حکمفرماست. فیلمساز، فیلم را در حالی که هنوز دوربین خاموش است با این جمله شروع می کند که او نه مسیحی، نه مسلمان، نه بودایی، نه زرتشتی نه یهودی و نه بهایی است بلکه فردی است بی هیچ دین خاصی که برای ساخت فیلمی درباره آیین بهایی همراه با پسرش به این باغ قدم گذاشته است. او این جمله را در انتهای فیلم تحت تاثیر روحیه اتحاد دیانت بهایی، به این شکل که او پیرو همه این ادیان است تغییر می دهد.

به جای تفسیر های خشک در مورد دیانت بهایی، فیلم روش های متعدد دیگری را برای معرفی این آیین بر می گزیند. بهالله، دیانت بهایی را ۱۷۰ سال پیش در ایران بنیان نهاد و تحت رهبری پسرش عبدالبها- که در نمایی کوتاه از فیلمی قدیمی، مرد مسن قابل احترامی به نظر می رسد- این آیین به اروپا و آمریکا گسترش پیدا کرد. آموزه های بهایی با تاکید بر لزوم صلح جهانی و یگانگی خداوند، ادیان و بشر به این بیان نکته می پردازد که موسی، مسیح، بودا و محمد همه پیام آورانی در سیر تکامل بشریت بوده اند. امروزه این آیین در سراسر جهان بیش از ۶ میلیون نفر پیرو دارد.

شخصیت های اصلی فیلم پدر و پسر هستند و باغبان خوش کلامی به نام ائونا -اهل پاپوا گینه نو- که همان طور که به باغچه گل ها رسیدگی می کند و از باورها و اعتقاداتش سخن می گوید، آرامش درونی عمیقی به فیلم می بخشد.

ایشان در آنچه احتمالاً نوعی تظاهر به اختلاف نظر است به بحث در مورد نقش دین در دنیای امروز می پردازند. پسر جوان پدرش را به فاصله گرفتن از نیت بی طرفانه شان و تبلیغ دیانت بهایی در فیلم متهم می کند. در نظر او دین باعث اختلاف بین انسان ها و عامل اصلی بسیاری از جنگ ها به حساب می آید. و اینگونه است که پدر و پسر توافق می کنند که پسر جلوه منفی دیانت بهایی را به تصویر بکشد و پدر جنبه مثبت آن را، که البته یکی از لحظات طنز غریب فیلم وقتی است که درست در صحنه بعدی پسر، او یکی از پیروان دل سپرده دیانت بهایی را نشان می دهد که در باغ می چرخد و در حالت از خود بی خود شده گی می خواند " ما همه برگ های یک درختیم"؛ " اگر مردمان سنگ زنند، به آنها میوه دهید". کمی بعد همین شخصیت به طور واضح تری درباره



دیانت بهایی صحبت می کند؛ هر چند که همچنان حالتی از عرفانهای عصر جدید در فضا وجود دارد. این خانم هم مثل دو نفر دیگری که در فیلم با آنها مصاحبه انجام می شود، لهجه آمریکایی دارد.

"بحث و اختلاف نظر" حتی به سمت سوال بی جواب (یکی از موضوعات مورد علاقه فیلم های ایرانی) تعریف سینما و هدف آن می رود: ستاره های هالیوودی یا داستان های واقعی؟ آیا ساختن فیلمی با ریتمی آرام از باغی که شاید فقط عده محدودی به دیدنش علاقه نشان دهند اتلاف وقت است؟ یا اینکه فیلم سازی، در نوع خود مراقبه ای است که قوه ادراک را قوت می بخشد و یادمان می دهد روشن تر و واضح تر ببینیم؟

پسر به اورشلیم نیز سفر می کند و کلاه یهودیان به سر می گذارد تا از دیوار ندبه دیدن کند جایی که از گروهی از سربازان خندان اسرائیلی فیلم می گیرد. همان طور که وعده کرده بود تاملات او درباره دین و "دنای ماوراء الطبیعه" بسیار نا امید کننده است. او معتقد است که همه ادیان با وعده صلح شروع می کنند و به انقلاب ختم می شوند، در ابتدا فریاد آزادی زنان سر می دهند و در انتها آنان را به بردگی می کشند. القاعده و طالبان از دین استفاده می کنند و کودکان معصوم را به تروریست مبدل می سازند. او نتیجه می گیرد اگر دین باعث جنگ شود بی دینی بهتر است.

پدر از طرف دیگر تاکید می کند که در حال تحقیق در مورد دین بدون خشونت است که پیروانش در ایران تحت آزار و اذیت هستند و بسیاری از ایشان در زندان به سر می برند. او شیفته آرامش باغبان است که بزرگوارانه به گیاهانش می رسد، مَنِشی که او به دعا کردن تشبیه می کند. صحنه های پایانی فیلم گفتنی های بسیار دارد، همان طور که او و ائونا در باغ آئینه های بزرگی به دست گرفته اند که گل های قرمز رنگ اطرافشان را نشان می دهد "قلبشان را آئینه ای می کنند" و سپس در ساحل طوفانی می ایستند و به موج های عظیمی که به ساحل خورده و در هم می شکنند، چشم می دوزند.

۸-۴) حمایت بیش از هزار نفر از فعالین و شهروندان غیر بهائی از بازگشت بهائیان به دانشگاههای کشور متن طومار به شرح ذیل است:

"او هم مانند من شهروند این کشور است، یک انسان ایرانی بهائی. او به چیزی معتقد است که من نیستم اما هیچگاه نشده که مرا با عقایدش بیازارد، کاری که سالهاست در حق او می شود. محرومیت بهائیان از حقوق شهروندی درد است. دردی که سالهاست سرزمین مرا فراگرفته و امروز بیشتر و بیشتر شده است. با شنیدن خبر دستگیری مدیران دانشگاه مجازی بهائی متأثر شدم و متأسفم که این اتفاق رخ داده است. اگر چه خود ما نیز آنقدر که باید و شاید در دانشگاههایمان آزادی نداریم، اما سلب حق تحصیل از هموطنانمان فقط به دلیل بهائی بودن چیزی نیست که بتوان ساده از کنار آن عبور کرد.

سالهاست هموطنان بهائی ما حق تحصیل در دانشگاههای سراسری کشور خود را ندارند. چندی بود که با همت و تلاش خودشان دانشگاه مجازی تشکیل داده بودند و به علم آموزی به سایر بهائیان محروم از تحصیل می پرداختند که چند روز پیش اعضای فعال این دانشگاه دستگیر شدند. این محرومیت ها برگ سیاهی است در تاریخ سی ساله گذشته ایران که فرزندان خود را اینگونه میزبانی می کند... اگر چه من هم دین او نیستم ولی هر دو انسانیم و هر دو ایرانی. هیچ کس این حق را ندارد به خاطر اختلاف عقیده هموطن خودش را از حق زندگی و تحصیل در سرزمین مادریش محروم کند. که یا بماند، اینطور سی سال دنبال حق سلب شده اش باشد و روز به روز با مشکلات بیشتری دست و پنجه نرم کند یا از این کشور برود، فشار روحی و مالی را تحمل کند، استعدادش را در جای دیگر شکوفا کند و از وطن فقط خاطره تبعید را به یاد بیاورد.

جای آنها سی سال است که در پشت میز و نیمکتهای دانشگاه ما خالی است. من به عنوان یک غیر بهائی می خواهم که حق تحصیل بهائیان را به آنها برگردانید، این حق مسلم آنهاست  
درج اسامی امضاء کنندگان

۹ خرداد ۱۳۹۰